

مقاله

جنبش تفسیرنگاری معاصر در جهان اسلام:

نگاهی به کتاب الانسان و القرآن وجهاً لوجه

O محمد کاظم رحمتی

۱. تفسیرنگاری سنتی مبتنی بر ترات

تختسین رویگرد و متلول‌ترین رهافت عالمان مسلمان در سده اخیر در نگارش تفاسیر، تلاوم سنت کهن گذشتگان در تدوین تفاسیر است. نهم هفت ویژگی برای این نوع تفاسیر برشمرده است: تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن با بهره‌گیری از سنت نبوی؛ تفسیر قرآن با اتکا بر اقوال صحابه و تابعین؛ عموم دانستن آیات و محضود نداشتن معانی آن به سبب نزول خاص؛ مراجعه به لغت عرب و کتاب‌های لغت در فهم معنی آیات؛ عدم تطویل مطالب در مہمات قرآنی؛ تقییل ذکر تفسیراتیات. در کنار این ویژگی‌ها، توجه و اهتمام مفسران به تبیین مسائل اعتقادی و فقهی ویژگی دیگری است که در این تفاسیر می‌توان دید. این ویژگی در تفاسیر زیر مشاهده می‌شود:

الف) شهاب‌الدین محمود الوسی (متوفی ۱۳۷۰ ق / ۱۸۵۴ م)، عالم عرب زبان، ساکن بغداد، تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی را نگاشته که در نه جلد به چاپ رسیده است (دارالفکر بیروت، ۱۳۶۸ ق / ۱۹۷۷ م). مطالبی که در اغلب تفاسیر سده اخیر با رویگرد سنتی یعنی تلاوم جریان تفسیرنگاری سده‌های چهارم تا دهم می‌توان دید اتکای مفسران معاصر بر آرای مفسران پیشین یا اختصار و گزینش آرای آنان است. این گزینش در تفسیر روح المعانی نیز دیده می‌شود. برای مثال الوسی از تفاسیر کهن، بیشتر به تفسیر مفتاح‌الغیب امام فخر رازی (متوفی ۶۰۶ ق / ۱۲۱۰ م) تکیه دارد. الوسی در تفسیر خود به مباحث لغوی، ادبی، فلسفی، طبیعی، اجتماعی، کلمات و گاه عرفان توجه خاصی دارد (محمدافاضل ابن عاشور، التفسیر و مجاله تونین

اشاره:

دو سده اخیر، حرکت تفسیرنگاری در جهان اسلام، کم و بیش در اغلب مناطق جهان اسلام به ویژه در مصر پویایی و تنوع چشمگیری داشته است.

آثار فراوانی که در ارزیابی حرکت نگارش تفسیر در مصر به رشته تحریر درآمده گویای این نکته است. در میان آثار مکتوب درباره جریان تفسیرنگاری معاصر جهان اسلام، کتاب کم حجم و پرمحتوای احمیده النیر، استاد دانشگاه زیتونه کشور تونس با عنوان الانسان و القرآن وجهاً لوجه (الدار البيضاء منشورات الفکر، ۱۹۹۷) ارزش و اعتبار خاصی دارد. نوشته حاضر مروری کوتاه بر این کتاب است. لازم به ذکر است که نیر کتاب مهم دیگری نیز به نام التفسیر القرآنیة المعاصرة: قراءة فی المنهج نیز نگاشته است.

دانش تفسیرنگاری در جهان اسلام در دو سده اخیر با رویگردهای متفاوتی از اعصار گذشته متمایز می‌شود. بی تردید، رویارویی با فرهنگ و تمدن جهان عرب در تغییر ذهنیت مسلمانان نقش مهمی داشته است. نیر در تقسیم‌بندی خود، پنج رویگرد در نگارش تفاسیر سده اخیر تمییز داده است: تفسیرنگاری سنتی مبتنی بر ترات؛ تفسیرنگاری عالمان سلفی با رویگرد اصلاحي؛ جریان تفسیرنگاری ایدئولوژیک؛ رویگرد ادبی؛ و رهافت‌های جدید تفسیری.



دارالکتب الشریقیه، ۱۹۶۶، ص ۱۲۹ به بعد.

ب) ابوالطلب محمد صدیق خان فتوحی (متوفی ۱۳۰۷ ق / ۱۸۸۹ م)، مؤلف تفسیر فتح البیان فی مقاصد القرآن که در ده جلد (۱۳۰۰ ق) به چاپ رسیده است. این مفسر که از جمله مفسران شیعه‌فراشه است در بهوپال مرکز استان منمیا در شمال هند زندگی می‌کرده و در تفسیر بیشتر رویکرد فقهی داشته است.

ج) سلطان احمد بن حیدر بیدختی (متوفی ۱۳۱۱ ق / ۱۸۹۴ م) مؤلف تفسیر بیان السعاده و مقامات النبلاء، وی عالمی امامی با گرایش‌های صوفیانه است (در باره این تفسیر و ک. مدخلی «بیان السعاده» در دانشنامه جهان اسلام).

د) محمد بن یوسف بن عیسی اطفیش (متوفی ۱۲۳۲ ق / ۱۹۱۴ م) عالم اباضی ساکن در وادی مزاب جزائر که تفسیری به نام همین الزاد الی دار المعاد نگاشته که نخست در سیزده مجلد (چاپخانه سلطنتی زنگبار، ۱۳۰۵ ق / ۱۸۸۸ م) و بار دوم از سوی وزارت التراث الممانیه ۱۳۰۱ ق / ۱۹۸۰ م، به چاپ رسیده است. وی تفسیر دیگری نیز به نام تفسیر التفسیر دارد که نخستین بار به صورت سنگی در الجزائر ۱۳۲۵ ق / ۱۹۲۵ م، و بار دیگر در قاهره در چاپخانه عیسی البانی حلبی ۱۹۸۱ به چاپ رسیده است.

هـ) عبدالرحمان آل سعودی الناصری، اهل منطقه قسیم عربستان (متوفی ۱۳۳۶ ق / ۱۹۵۶ م) که تفسیری فقهی به نام تفسیر الکریم الرحمان فی تفسیر کلام المنان در هفت مجلد نگاشته است.

و) محمدنابین بن مختار شنیطی چکنی (متوفی ۱۲۹۳ ق / ۱۹۷۳ م) از عالمان موریتانی که مؤلف تفسیر اضواء البیان فی انضاج القرآن بالقرآن است که در هفت جلد به چاپ رسیده است ولی تفسیر کل قرآن نیست. وی در این تفسیر، علاوه بر مباحث لغوی به موضوعات کلامی چون اثبات رویت باری تعالی، غیرمخلوق بودن قرآن، استواء کلمات بر عرش و عصمت انبیا پرداخته است.

ز) محمدعلی صلیبونی که در ۱۳۳۷ ق / ۱۹۲۸ م، در سوریه به دنیا آمد و در الأزهر تحصیل کرد و به مسائل شرعی و فضیلت پرداخته. وی در تفسیر نخست خود، روائع البیان فی تفسیر آیات الاحکام فی القرآن در دو جلد به بحث درباره مسائل فقهی چون ازدواج موقت، حجاب، قطع دست زده، خمس، غنایم و جهاد پرداخته است. در حقیقت، رویکرد صلیبونی در این تفسیر، ریاضتی فقهی است. تفسیر دیگر وی، صفوة التفسیر است که در سه جلد (چاپ چهارم ۱۳۸۱/۱۴۰۲) به چاپ رسیده و گزیده‌های از

تفسیرهای کهن طبری، زمخشری، قرطبی، ابن کثیر و دو تفسیر معاصر یعنی فی خلال القرآن سدقطب و روح المعانی الوسی است.
ح) مناع خلیل القطان عالم معاصر مصری و مؤلف تفسیر آیات الاحکام (دمشق، بیروت، ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۴ م) که همان گونه که عنوان آن نشان می‌دهد در زمره تفسیر فقهی است. این تفسیر به جز تفسیر بیان السعاده، به تعبیر رومی در اتجاهات التفسیر (ج ۱، ص ۹۳-۱۵)، تفسیر اهل سنت و جماعت است و با تکیه بر همان اصول عقیدتی - کلامی اهل سنت (چون اعتقاد به قدم قرآن، مفهوم متداول وحی یعنی دریافت کلام خداوند و انتقال لفظ و معنی) به تفسیر آیات می‌پردازد. این نوع تفسیر در حقیقت نمونه جدیدی از تفسیر کهن‌اند و مهم‌ترین ویژگی آنها تحلیل اسرائیلیات است.

فی مطابقت تفسیر معناه الحقیقی. هذه الأدوات جعلت التفسیر جافاً و مبهماً عن الله و کتابه إذ انقلبت التفسیر عند الكثير الى حل الألفاظ و أعراب جمل و تعزیر فی فنون نحویة و بلاغیة (تفسیر المنار، ج ۱، ص ۸، ۲۲). در پس چنین رویکردی اندیشه اصلاح جامعه و پیشرفت آن نهفته است و از منظر عبده وظیفه تفسیر این است که: «ذهب المفسر الى فهم المراد من القول و حکمة التشریح فی المفاد و الاحکام علی وجه یجلب الأرواح و یسوقها الى العمل و الهیة المودعة فی الکلام». با این حال به نظر دیگر حرکت عبده یا وجود تلاش در جهت ایجاد حرکت جدیدی به دلایل معرفتی ناکام مانده چرا که عبده یا همان شیوه و ابزار عالمان مسلمان به فهم قرآن پرداخته بود. با این حال حرکت وی به پیدایی مکتب خاصی از تفسیرنگاری منتهی شد که می توان آن را مکتب عبده نامید.

مهم ترین فرد متأثر از عبده شاگرد معروف وی محمد رشیدرضا (۱۲۷۲-۱۳۵۲ ق / ۱۸۶۵-۱۹۳۵ م) است که تفسیر المنار را تا پایان آیه ۱۰۱ سوره یوسف بعد از مرگ استاد خود ادامه داد. گرچه مرگ وی مانع از اتمام این تفسیر شد. تکمیل این تفسیر تا پایان سوره یوسف به قلم عالم سوری، بهجت بیطار است که از آیه ۱۰۲ تا آخر سوره یوسف را خود تفسیر کرده ولی به نام رشیدرضا به چاپ رسانده است.

از دیگر پیروان المنار می توان از محمد جمال الدین قاسمی (۱۲۸۳-۱۳۳۲ ق / ۱۸۶۶-۱۹۱۲ م)، مؤلف تفسیر مجلس الناول، محمد مصطفی مراغی (۱۳۰۸-۱۳۶۲ ق / ۱۸۸۱-۱۹۳۵ م)، مؤلف تفسیری ناتمام، عبدالحمید بن بادیس (۱۳۰۸-۱۳۵۹ ق / ۱۸۸۹-۱۹۴۰ م) و محمد عزه دروزه (متولد ۱۳۰۵) نام برد. این بلائیس تفسیر خود را ابتدا به صورت مقالاتی در مجله انقیاب منتشر کرد و بعدها در مجموعه‌ای به نام مجالس التذکیر فی کلام الحکیم التفسیر به چاپ رساند. مهم ترین موضوع مورد بحث ابن بادیس، علل انحطاط امت اسلامی است که وی عامل اصلی آن را نظام استبدادی می داند و بر ماهیت علمی قرآن تأکید می کند. او در تفسیر خود از فخرپوری و عبده فرولان نقل قول می کند. این نیز گفتنی است که تفسیر وی ناتمام است.

محمد عزه دروزه (متوفی ۱۳۰۴ ق) عالم فلسطینی، تفسیر مشهور خود التفسیر الحدیث را در فوارده جلد بالرجاع به مفسرانی چون ابن عباس طبری، فخر رازی، نیشابوری، بیضاوی و طبری نگاشته است. هرچند وی در نقل آرای این عالمان، از اظهار نظر خودداری نکرده و در مسأله‌ای چون عبرت دنیا و زمان وقوع قیامت به نقد آرای مفسران پیش گفته پرداخته است. همچنین از عهد عتیق (سفر تکوین و سوره داود) مطالبی را نقل کرده است. سواى مقدمه طولانی دروزه بر تفسیر خود، ویژگی کار وی ارائه تفسیر براساس نزول تاریخی قرآن و تکیه بر اسباب نزول است. هدف وی از اتخاذ چنین رویکردی این است که: «بندج القاری فی جر نزول القرآن و حد ظروقه و مناسبه و مذهبیه و تجلی له حکمة التنزیل» (التفسیر الحدیث، ص ۸). همچنین وی به بحث موضوعی آیه‌ت قرآن

(ط) محمد طاهرین عاشور مغربی متولد ۱۲۹۸ ق / ۱۸۷۹ م، و مؤلف تفسیر التحزیر و التتویر یا تحزیر المعنی السدید و تتویر المعقل الجدید فی الکتاب المجدد (نونس: الدار التوسیه للنشر، ۱۹۶۹) که در سی جلد به چاپ رسیده است. ابن عاشور در آغاز این تفسیر، در مقدمه‌ای از سه موضوع مهم بحث انگیز در تاریخ تفسیر بحث می کند. بحث نخست ابن عاشور تاریخ تفسیر و فرق میان تفسیر و تاویل است و در ادامه از ربط میان تفسیر و علوم دیگر چون دانش های لغوی، فقهی و کلام سخن می گوید و این مباحث با بحث اعجاز قرآن پایان می یابد. آنچه که این مقدمه اشکار می کند ذهنیت دائرة المعارف گونه ابن عاشور، حاصل تربیت عالمانه در جامع زیتونه است.

۲. تفسیرنگاری عالمان سلفی یا رویکرد اصلاحی

در میان تفاسیر نگاشته شده سنتی، تفسیر المنار به دلایلی متمایز از تفاسیر سنتی است و می توان آن را تفسیر سلفی یا رویکرد اصلاحی نامید. محمد عبده (۱۲۶۵-۱۳۲۲ ق / ۱۸۴۹-۱۹۰۵ م)، مؤلف تفسیر المنار، متأثر از افکار عالم ایرانی، سیدجمال الدین اسدآبادی (متوفی ۱۸۹۷/۱۳۱۴) بوده است. محمد عبده تدریس تفسیر قرآن را در جامع الازهر در غده محرم ۱۲۷۲/۱۸۹۷ م، آغاز کرد و آن را تنها تا پایان آیه ۱۲۵ سوره نساء ادامه داد و لعل وی را از ادامه تفسیر بازداشت. گرچه وی جزء عم و سوره والمصر را نیز جداگانه منتشر کرده است. حضور هیئت های تبشیری و نگاشته های منتقدانه از اسلام همانند نوشته ارنست رنان درباره انحطاط اسلام باعث شد عبده در تفسیر آیات مورد بحث و جدل چون آیات ۵۲ تا ۵۴ سوره حج (ماجرای عرفات)، آیه ۳۷ سوره احزاب (ازواج پیامبر با همسر پسر خوانده خود) که متمسک مستشرقان و ناقدان اسلام بود، به تفصیل بیشتری سخن بگوید. با همین رویکرد بود که عبده با نگاهی که اصلاح گرانه برخی مسائل را انکار کرد. مثلاً سحر را رد کرده و این او را به رد برخی احادیث روایت شده در صحیح بخاری درباره سحر واثاثه است (تاریخ الاستاذ الامام، ج ۱، ص ۷۶۸). همین گونه درباره برخی معجزات که ظاهراً نص قرآن بر آن دلالت دارد. مثال بارز آن داستان ابرهه و هلاک سپاه وی مذکور در سوره فیل است که عبده بر خلاف ظاهر آیات که از بین رفتن سپاه ابرهه را به سنگهایی که مرغان آسمان (ایلیل) بر آن فروریزند نسبت می دهد می نویسد: «بجوز لک ان تعتقد ان هذا الطیر من جنس البعوض أو النباب الذی یجمل جراثیم بعض الأمراض و ان تکون هذه الحجاره من الطین المسموم الیاس...» (تفسیر جزء عم، ص ۱۵۸). بر این موارد می توان حکم به حلیت برخی از انواع ربا و آزادی فعالیت اجتماعی زنان را افزود. مشخص است که عبده با چنین رویکردی می خواهد خود را از زیر بار سنگین میراث در عین انکار بر آن رها کند. در اشاره به این مطلب عبده می نویسد: «الأدوات التي استخدمها المفسرون والتي أخرجت الكثيرين عن المقصود من الكتاب الإلهي و ذهبت بهم



نیز پرداخته است.

از دیگر افرادی که متأثر از مكتب الخطوب بوده‌اند، می‌توان به این افراد اشاره کرد: احمد مصطفی مراغی (۱۳۰۰-۱۳۷۲ ق / ۱۸۹۳-۱۹۴۴ م)، مؤلف تفسیر المراغی؛ محمود شلتوت (۱۳۱۱-۱۳۸۳ ق / ۱۸۹۳-۱۹۶۳ م) مؤلف تفسیر القرآن الکریم؛ عبدالکریم الخطوب مؤلف التفسیر القرآنی للقرآن؛ عبدالعزیز الجابری (متوفی ۱۳۲۸ ق / ۱۹۱۶ م) مؤلف تفسیر اسرار القرآن؛ و عبدالعزیز عثمانی (متوفی ۱۳۴۴ ق / ۱۹۲۴ م) مؤلف تفسیر روح التحریر فی القرآن که در ۱۹۰۵ م. بعد از آزادی از زندان تألیف کرد.

۳. جریان تفسیر نگاری ایدئولوژیک

تفسیر نگاری یا رویکرد ایدئولوژیک معنی بر پذیرش یک نظام فکری به عنوان پیش فرض برای تفسیر قرآن است. بهر تفسیرهایی با گرایش علمی چون الجواهر فی تفسیر القرآن تألیف سلطانی جوهری (۱۲۸۷-۱۳۵۸ ق / ۱۸۵۹-۱۹۲۰ م) و کتاب تفسیر العلوم و کتب الحکیم عبدالرحمان کواکبی (متوفی ۱۳۲۰ ق / ۱۹۰۲ م) را نیز در این تقسیم بندی آورده است که درست به نظر نمی‌رسد زیرا شاید بتوان تفسیر علمی را یک جریان جدا به حساب آورد. بهر آن تفسیر ایدئولوژیک به تفسیر فی خلال القرآن سید قطب (۱۳۲۱-۱۳۸۶ ق / ۱۹۰۲-۱۹۶۶) متأثر از جریان احوان المسلمین و کتاب چنگونه قرآن بخوانیم از تألیفات سازقان مجاهدین خلق اشاره کرده است. از تفسیر دیگر، با رویکردهایی چون سازمان مجاهدین، می‌توان به تفسیر محمد شحرور نسوی به نام کتاب و القرآن (دمشق: دارالاهلی، ۱۹۹۰) اشاره کرد.

۴. رویکرده ادبی (تفسیر البیانی للقرآن)

یکی دیگر از رویکردهای مفسران معاصر، رویکرد ادبی است. این رویکرد را امین خولی (متوفی ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م) بیان نهاده است. وی در ۱۹۲۰ از مدرسه فقه الشریع که معتقد همه برای تفسیر کتب مصر و اشنایی آنها با جهان جدید تالیسین کرده بود فارغ التحصیل شد و مدتی در رم و برلین زندگی کرد (۱۹۲۲-۱۹۲۷ م). در ۱۹۲۷ م. به مصر بازگشت و در مقام استاد در کلیه الالابی به تدریس پرداخته وی در ۱۹۶۱ م. کتاب ارزشمندی به نام مناهج التجدید فی التحو و البلاغه و التفسیر منتشر کرد. روش تفسیری که امین خولی پیشنهاد می‌کند مبتنی بر این اصول بود: توجه به خصالت موضوعی، مقصود خولی از این مطلب گردآوری آیات هم‌موضوع در قرآن است؛ بهره‌گیری از علوم قرآن یعنی مباحثی چون اسباب نزول، ناسخ و منسوخ و غیره و فهم تاریخی سطرینت قرآنی پس شناخت دلالت نخستین لفظ در عصر نزول قرآن.

مطلب دیگری که تاملی بر آن در فهم قرآن باید صورت گیرد بهره‌گیری از جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است. خولی در موارد متعددی لزوم دقت فراوان در به کارگیری این روش‌ها و ارایه تفسیری در این

اساس، اشاره کرده و خود نیز تنها نمونه‌هایی از این شیوه را ارائه کرده است. کاربست آرای امین خولی را در آثار دو شاگرد وی، غانثه عبدالرحمان بنت الشاطی مؤلف التفسیر البیانی للقرآن الکریم و تحقیقات قرآنی وی چون القرآن و قضایا الانسان، الشخصیة الاسلامیة و الاعجاز البیانی للقرآن و پایان‌نامه دکتری محمد احمد خلف الله با عنوان الفن القصصی فی القرآن الکریم می‌توان دید. خلف‌الله در الازهر درس خواند و تحصیلات دانشگاهی خود را در کلیه الاداب قاهره نزد استادانی چون طه حسین، مصطفی عبدالرزاق، احمد امین و امین الخولی گذراند؛ هرچند خولی بیش از همه بر وی تأثیر نهاد. کتاب من وصف القرآن الکریم: یوم الدین و الحساب تألیف شکرى محمد عیاد (قاهره، ۱۹۸۰ م) نیز با چنین رویافتی تألیف شده است.

۵. رویافتهای جدید تفسیری

در رویکردهای جدید تفسیری، بیش از آنکه دغدغه تألیف تفسیری وجود داشته باشد، سودای در انداختن اصولی جدید برای تفسیر قرآن وجود دارد. این رویکرد، حاصل فعالیت روشنفکران و نواندیشان و اساساً از دانش‌های جدید غربیان متأثر است.

نیفر در این بخش از لاکون، نصر حامد ابوزید و فضل الرحمان سخن گفته است. محمد لاکون (متولد ۱۹۲۸ م) استاد فلسفه و تمدن اسلامی است که اکنون در فرانسه اقامت دارد (از ۱۹۵۶ م تاکنون) و در حوزه قرآنی سه کتاب مهم قرامات فی القرآن (۱۹۸۲ م) الاسلام، الأمن و القد (۱۹۸۳ م) و الفکر الاسلامی: قرامة علمیه (۱۹۸۷ م) را نگاشته است. به طور کلی روش لاکون از باستان‌شناسی تاریخی فوکو و بازسازی تاریخی عربها متأثر است. نصر حامد ابوزید (متولد ۱۹۴۳ م) نیز در کتاب‌های الاتجاه العقلى فی التفسیر، قضیة المعجاز فی الاسلام عبدالعزیزله (۱۹۸۲ م)، فلسفه التأویل: دراسة فی تأویل القرآن عند ابن عربی (۱۹۸۳ م) و مفهوم النص (۱۹۹۰) و اشکالیات القراماة و الیات التأویل (۱۹۹۲ م) آرای خود را بیان کرده است. تنها اثر فضل الرحمان (۱۹۱۹-۱۹۸۸ م) که نیفر به آن اشاره کرده ترجمه‌ای عربی از کتاب اوست به نام الاسلام و ضرورة الشخصیة: نحو احداث تغییر فی التقالید الثقافیة که ابراهیم العریس (لندن: دارالاساقی، ۱۹۹۲) ترجمه کرده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای مثال می‌توان آثار زیر را برشمرد: عایشة عبدالرحمن بنت الشاطی، القرآن والتفسیر المعصری، مصر، ۱۹۶۹؛ عبدالمتعال الجابری، شطحات مصطفی محمود فی تفسیراته المعصریة، قاهره، ۱۹۷۶؛ عفت محمد الشرفاوی، الفکر الدینی فی مواجهة العصر، قاهره، ۱۹۷۶؛ محمد الفاضل ابن عاشور، التفسیر و رجاله، قاهره، ۱۹۷۷؛ عبدالحمید عبدالسلام المحنسی، اتجاهات التفسیر فی

رشیدرضا المفسر، بغداد: دارالرسالة، ۱۹۷۷؛ عبدالله محمود سخاوند، منهج الامام محمدعبدیه فی تفسیر القرآن الکریم، جامعة القاهرة، ۱۹۸۲.
۵. درباره ابن بادیس ر. ک: عمارالطالبی، ابن بادیس حیات و آثاره بیروت: دارالفرب الاسلامی، ۱۹۶۸/۱۳۹۳.

۶. ظاهراً نخستین فردی که سعی داشت در تفسیر قرآن شواهد علمی را بیابد محمدبن احمد اسکندرانی بود وی که طیب بود دو کتاب به نام های کشف الاسرار التوراتیه القرآنیة و تبیان الاسرار الربانیة درباره شواهد علمی تفسیر نگاشته است. برای آثاری با این نوع رویکرد نیز به آثار زیر رجوع شود:

احمد حنفی، معجزة القرآن فی وصف الکائنات (قاهره، ۱۳۷۳ / ۱۹۵۴)؛ همو، التفسیر العلمی للآیات الکتوبیة فی القرآن (قاهره، ۱۹۶۸) و نیز نوفل عبدالرزاق، الله والعلم الحدیث والاعجاز العبدی للقرآن الکریم: علی فکری، ینوع العلوم والعرفان: مصطفی محمود، محاولة لفهم عصري؛ محمدتوفیق صدقی، فی سنن الکائنات و محمد احمدالتمراوی مؤلف الاسلام فی عصرالعلم نیز ر. ک: هند نسلی، التفسیر العلمی للقرآن الکریم، بین النظریات والتطبیق، تونس، ۱۹۸۵.

۷. برای رده های که بر شحور نگاشته شده برای مثال بگریه به: مأمون الجاویجانی، «الأسس الخاسرة للقراءة المعاصرة، مجلة البصائر، عدد ۱۸، ۱۹۹۲؛ علی نوح، «الکتاب والقرآن قرآنة علمیة»، مجلة الفكر العربی، عدد ۷۸، ۱۹۹۴؛ ماهر المنجد، «لاشکالیة المنهجیة فی الکتاب والقرآن»، مجلة عالم الفكر، مجلد ۳۱، عدد ۴، ۱۹۹۳.

۸. درباره مکتب ادبی ر. ک: مرتضی کریمی نیا، «امین خولی بنیانگذار مکتب ادبی در تفسیر قرآن»، گلستان قرآن، شماره ۱۵۸ (۱۳۸۱)، ص ۱۷-۲۱. در این مکتب بر اعجاز قرآن بیشتر از جهت بلاغی تاکید می شود. ر. ک: محمدمشرف حنفی، اعجازالقرآن الیسانی بین النظریة والتطبیق، قاهره، المجلس الأعلى للشؤون الاسلامیة، ۱۳۹۰.

۹. برای آرای قرآنی آرکون و ابوزید ر. ک: محمدمهدی خلجی، آرا و اندیشه های دکتر محمد آرکون، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۷۷؛

مرتضی کریمی نیا، آرا و اندیشه های دکتر نصر حامد ابوزید، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۷۶؛ نقد و بررسی هایی درباره اندیشه های نصر حامد ابوزید به کوشش سعید عدالت نژاد، تهران، مشق امروزه، ۱۳۸۰؛ خاصه مقاله «نگاهی به زندگی و آثار نصر حامد ابوزید» (تالیف مرتضی کریمی نیا). کتاب مفهوم النص ابوزید را مرتضی کریمی نیا با عنوان معانی متن منتشر کرده است.

از آثار قرآنی فضل الرحمان می توان به نگاشته های زیر رجوع کرد:
1) "The Quranic Concept of God, the Universe and man", Islamic studies, 6 (1967), pp. 1-19.
2) "The Quranic Solution of Pakistan's educational Problem", Islamic Studies, 6 (1967),

العصر الحدیث بیروت، ۱۹۷۳؛ مصطفی محمود، القرآن محاولة لفهم عصره، قاهره، ۱۹۷۶؛ محمدابراهیم شریفه، اتجاهات التجدید فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر، قاهره ۱۴۰۲ / ۱۹۸۲؛ فهیدین عبدالرحمن بن سلیمان الرومی، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع العشر، ریاض، ۱۴۰۷ / ۱۹۸۶؛ عفت محمدالشرقاوی، اتجاهات التفسیر فی مصر فی العصر الحدیث قاهره، ۱۹۷۳؛ محمدحسین الذهبی، الاتجاهات المنفرقة فی تفسیر القرآن، واقعهما و دفعهما، ۱۹۷۶؛ الشحات السید زعلول، الاتجاهات الفکریة فی التفسیر، اسکندریه، ۱۳۹۷؛ مصطفی محمدالجیدی الطیر، اتجاه التفسیر فی العصر الحدیث منذ عهدالامام محمد عبده الی مشروع التفسیر الوسیط، قاهره، ۱۹۷۵؛ فهیدین عبدالرحمان بن سلیمان الرومی، منهج الممارسة العقلیة الحدیثیة فی التفسیر، بیروت، ۱۹۸۱ و پایان نامه دکترای فضل بن عباس، «اتجاهات التفسیر فی العصر الحدیث فی مصر و سوریا»، دانشگاه الأزهر، ۱۹۷۲. از میان خاورشناسان یوهانس مارینوس سیمون بایون و یوهانس جانسن به تفسیرنگاری معاصر توجه کرده اند.

J. M. S. Baljon, Modern Koran Interpretation, (1880-1960), Leiden: E. J. Brill, 1961; J. J. G. Jansen, The Interpretation of the Koran in modern Egypt, Leiden: E. J. Brill, 1974.

کتاب جانسن به ویژه به بررسی روند تفسیرنگاری در مصر اختصاص دارد. وی بعد از ذکر کلیاتی، در پنج فصل به گزارش تفاسیر تحریر شده در مصر در سال های اخیر می پردازد. در فصل اول از مکتب عبده و در فصل دوم از تفاسیر علمی سخن گفته است. در فصل های بعدی، مکتب ادبی امین خولی و تأثیر عبده بر تفسیرنگاری و در آخر بحثی از تفسیر توفیق شده محمد ابوزید الهدایة والعرفان فی تفسیرالقرآن بالقرآن آمده است. تفسیر ابوزید، مشابه تفاسیر گروه هایی چون «فرقان» در اوایل انقلاب است. برای گزارشی از محتوای تفسیر ابوزید به کتاب التفسیر والمفسرون محمدحسین الذهبی رجوع شود.

۲. برای بحث درباره قدم کلام خداوند به آثار زیر رجوع شود:
فهیمی جدعان، المحنة، دارالشروق للنشر والتوزيع، الاردن، ۱۹۸۹؛

J. R. T. M. Peters, God's Created speech: A study E. J. in the Speculative theology of the Mutazili Qadi I- Qudat abu L-Hasan Abdol - Jabbar, Leiden: Brill, 1976

۳. درباره ابن عاشور ر. ک:
Zmerli Sadok, Figures Tunisiennes, T2, MTE, 1976;

محمدالفاضل ابن عاشور، الحركة الأدبیة والفکریة بتونس، النار التونسية للنشر، ۱۹۷۳.

۴. درباره شیوه تفسیری عبده و رشیدرضا ر. ک: حسیب السامرائی،

ابوعبدالله محمد بن احمد قرطبی (متوفی ۶۷۱ ق.)، مؤلف الجامع لأحكام القرآن، محمد بن محمد جزی کلی (متوفی ۷۳۱ ق.)، مؤلف تفسیر التسهيل فی علوم التزیل، و ابو حیان اندلسی، مؤلف تفسیر البحر المحیط فی تفسیر القرآن الکریم.

عبدالقهار داوود عبدالله المغانی نیز در کتاب دراسات فی التفسیر والمفسرین (بغداد، ۱۳۸۷) از تاریخ تفسیر نگاری، نقد دیدگاه‌های مستشرقین و مفسران مسلمان چون ابن کثیر، قرطبی، زمخشری، ابوالبرکات نسفی صاحب تفسیر مفاری التزیل، روح المعانی و جامع البیان طبری بحث کرده است.

تاریخ پیدایش علم تفسیر و مراحل تطور آن، موضوع مهم دیگری است که وجه نظر قرآن پژوهان مسلمان بوده است. از این آثار می‌توان به اینها اشاره کرد: السید احمد خلیل، نشأة التفسیر فی الکتب المقدسة والقرآن (اسکندریه بی تا)، قاسم القیس، تاریخ التفسیر (المجمع العلمي العراقي، ۱۹۶۶)، عبدالله محمود شحاته، تاریخ القرآن و التفسیر (قاهره ۱۹۷۲)، احمد الشراصی، قصة التفسیر (بیروت، ۱۹۷۸)، خالد عبدالرحمن المکه اصول التفسیر (دمشق، ۱۳۸۸ ق.).

اسرائیلیات و جایگاه آنها در تفاسیر روایی موضوع تحقیق این پژوهشگران بوده است. محمدحسین لنگبی، الاسرائیلیات فی التفسیر والتحریر (۱۹۷۱)؛ محمد بن محمد ابوشهبه، الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر (بیروت، ۱۴۱۳ / ۱۹۹۲)؛ رمزی نصابه، الاسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر (دمشق - بیروت، ۱۹۷۰)؛ امال محمد عبدالرحمن ریح، الاسرائیلیات فی تفسیر الطبری: دراسة فی اللغة والمصادر السریة (قاهره، ۱۳۳۲ / ۲۰۱۰)، احمد عیسی الاحمد داوود و سلیمان فی التهدیة القدریة للقرآن الکریم، دراسة لغویة تاریخیة مقارنة (کویت، ۱۹۹۰).

موضوع بازسازی متون کهن تفسیری نیز محل اهتمام برخی افراد چون مؤلفان یادگفته تفسیر مستندان جبر و نقش آن در تطور تفسیر (تهران، ۱۳۷۸) بوده است.

نقبات نگاری مفسران در سده‌های اخیر مورد توجه بوده است و از آثاری که در این حوزه تألیف شده می‌توان به این آثار اشاره کرد: التفسیر والمفسرون، محمدحسین نجفی (بیروت، ۱۴۰۷ / ۱۹۸۷)، محمدهادی معرفت، التفسیر والمفسرون فی نوبة الفقیه (مشهد، ۱۴۱۸)، سید محمدعلی ابازی، سیر تطور تفسیر شیعه (تهران، ۱۴۳۱)، و المفسرون حیاتهم و منهجهم (تهران، ۱۴۱۴) و عادل نوبیض، معجم المفسرین من صدر الإسلام حتی عصر الحاضر (بیروت، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۸ م). نوشته آقای صاحبزاده مهدوی براه سیر نگارش‌های علوم قرآنی (تهران، ۱۴۳۱ ق) ضمن گزارش قرن به قرن از تألیفات قرآنی، از تفاسیر و مفسران سخن گفته است. عبدالعزیز عزالدین السیوان در معجم طبقات الحفاظ والمفسرین (بیروت، ۱۴۰۲ / ۱۹۸۳) فهرست قبایلی از مفسران تنظیم کرده و در ذیل هر نام به مآخذی که شرح حال فرد را آورده ارجاع داده است.

pp. 315-326.

3) Major Themes of the Quran (Minneapolis, Chicago), 1980.

کتاب نفیر، پژوهشی درباره جریان‌شناسی نگارش تفاسیر در سده اخیر است و طبعی است که گزارشی از تحقیقات و پژوهش‌های متناوب تفسیری در آن نیامده باشد. از این رو تعلیقه حاضر را می‌توان تکمیل‌کننده کتاب وی دانست. پژوهش‌های تفسیری قرآن پژوهان مسلمان را در صد سال اخیر در یک جمع‌بندی چنین می‌توان تقسیم کرد: تحقیقات روش‌نگاری که به صورت تک‌نگاری درباره مفسران یا حوزه‌های خاص جغرافیایی به چاپ رسیده است. از این آثار می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد: بدرین ناصر البدر، ابوحیان و تفسیر البحر المحیط (ریاض، ۱۴۲۰ / ۲۰۰۰ م)؛ عبدالغفار عبدالرحیم، الامام محمد عبده و منهجه فی التفسیر (قاهره، ۱۴۰۰ / ۱۹۸۰ م)؛ القصبی محمود زما، القرطبی و منهجه فی التفسیر (قاهره، ۱۹۷۹ م)؛ عبدالوهاب فایز، منهج ابن عطية فی تفسیر القرآن الکریم (قاهره، ۱۹۷۲ / ۱۳۹۳)؛ محمدبکر اسماعیل، ابن جریر الطبری و منهجه فی التفسیر (قاهره، ۱۹۹۱)؛ علای لوسی، الطباطبائی و منهجه فی تفسیر القرآن (تهران، ۱۳۰۵ / ۱۹۸۵)؛ محسن عبدالحمید الوزای مفسراً (بغداد، ۱۳۹۲ ق)؛ مرتضی آية الله العزاده شیرازی، الزمخشری لغویاً و مفسراً (قاهره، ۱۹۷۷)؛ عدنان زرزور، الحاکم الجسمنی و منهجه فی تفسیر (بیروت، ۱۳۹۲)؛ مصطفی الصاوی التجویبی، منهج الزمخشری فی تفسیر القرآن (دارالمعارف، ۱۹۵۹)؛ عبدالله محمود شحاته، منهج الامام عبده فی تفسیر القرآن الکریم (قاهره، ۱۹۶۳)؛ احمد حسن فرجات، مکی بن ابی طالب و تفسیر القرآن (عمان، ۱۲۰۳ / ۱۹۸۳)؛ تجدید چاپ ۱۴۱۸ / ۱۹۹۷؛ عفاف عبدالغفور حمید الموی و منهجه فی التفسیر (عمان، ۱۴۰۲ / ۱۹۸۲)؛ احمد بن عبدالعزیز الخلفه منهج ابن القيم فی الدعوة الی الله تعالی (ریاض، ۱۴۱۹ / ۱۹۹۸).

Yasin ceylan, Theology and Tafsir in the Major works of Al-Razi, Kulalumpur, 1996

منهج عبدالحمید محمود، منهج المفسرین (قاهره، ۱۹۷۸) و محمدالفاضل ابن عائشوره، التفسیر و رجاله (قاهره، ۱۹۷۰).

در این گونه آثار، زندگی‌نامه شیوخ و آثار تألیفی مفسر در کنار بحث از مصادر مفسر در تفسیر و شیوه‌های وی مورد بحث قرار می‌گیرد.

تفسیر نگاری در حوزه اندلس موضوع مورد توجه مصطفی البراهیم المیشینی در کتاب مدرسة التفسیر فی الاندلس (بیروت، ۱۴۰۶ / ۱۹۸۶) بوده است. وی در تحقیق خود از مفسران زیر سخن گفته است: مکی بن ابی طالب قیمی (متوفی ۳۲۷ ق.)، مؤلف الهدایة الی بلوغ الشهادة و اعراب القرآن، ابوبکر محمد بن عبدالله المعافری مشهور به ابن عربی مالکی (متوفی ۵۳۳ ق.)، مؤلف احکام القرآن؛ ابن عطیه عبدالحق بن غالب (متوفی ۵۴۶ ق.)، مؤلف تفسیر المخرر الوجیز فی تفسیر کتاب القریز؛